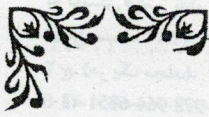


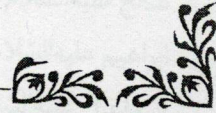
بنام خدا



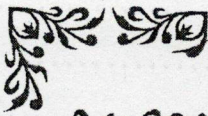
تاریخ انبیاء

از آدم تا خاتم

جلد اول



و

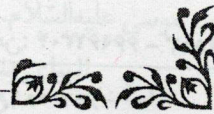


زندگانی چهارده معصوم

و

معجزات آنها

جلد دوم



به کوشش:

استاد فرامرز ندایی

انتشارات سما

«فهرست»

تاریخ انبیاء

- حضرت آدم علیه السلام ۵
- حضرت شیث علیه السلام ۲۹
- حضرت ادريس علیه السلام ۳۵
- حضرت نوح علیه السلام ۳۹
- حضرت هود علیه السلام ۵۵
- حضرت صالح علیه السلام ۶۷
- حضرت ابراهيم علیه السلام ۷۳
- حضرت اسماعيل علیه السلام ۷۹
- حضرت اسحاق علیه السلام ۸۳
- حضرت خضر علیه السلام ۹۵
- حضرت لوط علیه السلام ۹۷
- حضرت يعقوب علیه السلام ۱۰۱
- حضرت يوسف علیه السلام ۱۰۷
- حضرت ايوب علیه السلام ۱۵۳
- حضرت شعيب علیه السلام ۱۶۵
- حضرت موسى علیه السلام ۱۶۹

انبیای بنی اسرائیل پس از موسی (ع)

- یوشع بن نون ۲۱۲
- کالب بن یوفنا ۲۱۲
- حزقيل ۲۱۲
- حضرت الیاس - الیا ۲۱۲
- الیسع ۲۱۴
- ذوالکفل ۲۱۶
- سموئیل ۲۱۷

۲۱۸ طالوت
۲۲۳ حضرت داود علیه السلام
۲۳۷ حضرت سلیمان علیه السلام
۲۴۳ حضرت یونس علیه السلام
۲۵۵ حضرت دانیال علیه السلام
۲۵۷ حضرت زکریا علیه السلام
۲۷۱ حضرت یحیی علیه السلام
۲۸۵ حضرت مریم علیها السلام
۲۸۹ حضرت عیسی علیه السلام
۳۳۳ زرتشت
۳۳۷ مانی و مانویت
۳۳۹ جرجیس
۳۴۳ حضرت محمد مصطفی

زندگانی چهارده معصوم و معجزات آنها

۳۵۱ حضرت محمد مصطفی
۴۱۱ حضرت علی بن ابی طالب
۴۴۹ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۴۸۱ حضرت امام حسن مجتبی
۵۴۷ حضرت امام حسین
۶۹۳ حضرت امام زین العابدین
۷۱۵ حضرت امام محمدباقر
۷۲۹ حضرت امام جعفر صادق
۷۴۵ حضرت امام موسی کاظم
۷۵۹ حضرت علی بن موسی الرضا
۷۷۷ حضرت امام محمدتقی
۷۸۹ حضرت امام علی التقی
۸۰۱ حضرت امام حسن عسکری
۸۱۳ حضرت امام زمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت آدم (علیه السلام)

حق تعالی آفرید عالم را در شش روز چنانچه خداوند در آیه شریفه ۳۸ از سوره ق می فرماید: **وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ**، یعنی: و ما زمین و آسمانها و آنچه در بین آنهاست همه را در شش روز آفریدیم. خدای تعالی هفت آسمان را آفرید و آنها را بدون ستون معلق داشت و زمین را و فرشتگان را آفرید.

بدان که حق تعالی در روز یکشنبه آسمانها و زمین را آفرید و در روز دوشنبه آفتاب و ماه و ستارگان را آفرید و در روز سه شنبه بهشت و جهنم را آفرید و در روز چهارشنبه خلقتان و اشیاء را آفرید و در روز پنجشنبه آبها و دریاها و چشمهها را آفرید و رودها را از آنها جاری ساخت و در روز جمعه جوهره آدم(ع) و فرزندان او را آفرید و در روز جمعه بود که امر کرد تا اینکه فرشتگان هفت آسمان و زمین و روح به حضرت آدم(ع) سجده کردند و او را به بهشت آوردند تا عجایب بهشت را مشاهده کرد.

روایت است که چون خدای تعالی زمین را خلق کرد، زمین در روی آب متحرک بود، تا اینکه کوهها را آفرید و آنها را برای زمین میخها قرار داد، چنانچه در آیه مبارکه ۷ از سوره نبا می فرماید: **(وَالْجِبَالَ أوتاداً)**. حق تعالی زمین را در بین همه کرات پر از برکت نمود و در چهار روز رزق هر جنبه محتاج روزی را تقدیر کرد و به آسمان که در آن موقع بصورت گاز بود پرداخت. و آنگاه به عرش پرداخت و آفتاب و ماه را بوجود آورد و آن دو را محکوم کرد تا هر یک از آنها برای مدتی معین به جریان بیفتند.

و آنگاه فرشتگان را که همواره خداوند تبارک و تعالی را حمد و تسبیح می‌گویند و از روی خلوص او را عبادت می‌کنند بیافرید. و چون در اوایل آفرینش تاریکی بر همه جا مسلط و حاکم بود، خداوند فرمان داد که روشنائی بر زمین حاکم گردد و روشنائی حاکم گردید، و روشنائی را از تاریکی جدا ساخت و آنگاه روشنائی را روز و تاریکی را شب نامید و بدین صورت تاریکی سپری شد و روز پدیدار گشت و دیگر باره روشنائی جای خود را به تاریکی داد و بدین ترتیب یک روز سپری گردید، و بدین قرار روز و شب به ترتیب خاصی پشت سر هم می‌آمدند و می‌رفتند.

بدنبال این تحولات و پس از خلقت آسمانها و زمین و سایر موجودات، اراده و مشیت خدای سبحان تعلق گرفت و حکمتش اقتضا نمود که سرآمد مخلوقات و اشرف آنها یعنی آدم (ع) و ذریه او را بیافریند و او را خلیفه و جانشین خود گرداند تا در زمین ساکن شده و آن را آبادان ساخته و جولانگاه خویش قرار دهد. و ملائکه را از تصمیم خود خبر داد و به فرشتگان خود فرمود که به زودی من در زمین مخلوق دیگری خلق می‌کنم و جانشین خود قرار می‌دهم، که در زمین به تکاپو برخیزند و به هر سویی روان شوند و نسل خود را در اطراف آن پراکنند و از روئیدنی‌هایش بخورند و خیراتی که در بطن آن است استخراج نمایند و دسته‌دسته جانشین یکدیگر شوند. فرشتگان چون این خبر را شنیدند، گفتند: بندگانی می‌خواهی که در زمین خلق کنی و خلیفه خود قرارشان دهی که تباهی کنند و خون‌ها بریزند و اختلاف خواهند کرد و فساد برپا می‌کنند و جان‌های پاک و بی‌گناهی را نابود خواهند نمود، و ما تو را به پاکی می‌ستائیم و تقدیس می‌گوئیم. خداوند در جواب ایشان فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» فرشتگان این گفتار را به منظور برطرف ساختن شبهه به میان آوردند و یا به این امید آن را پیش کشیدند که شاید بدین وسیله خود را خلیفه در زمین کنند، چون فکر می‌کردند که ایشان از هر جنبه دیگر در رعایت نعمت‌های خداوند سبقت داشته و به معرفت حق او اولی می‌باشند، نه اینکه در حکمت خداوند تعالی شکی داشته باشند و یا خلیفه و یا ذریه خلیفه او را عیب جوئی کرده باشند. و چون فرشتگان اولیاء خدا و مقربان درگاه او و بندگان مطیع اویند و هرگز برخلاف گفته او کلامی ندارند و همواره به فرمان او عمل می‌کنند، لذا خدای تعالی هم جوابی که به ایشان داد، جوابی بود که شک و شبهه ایشان را برطرف سازد و دل‌هایشان را آرامش بخشد. روی همین اصل به فرشتگان فرمود: «من مصالحی را می‌بینم که شما

بدان وقوفی ندارید. پس بزودی نسلی را که من اراده کرده‌ام خلیفه من باشند پدید آورم و شما به حکمت آن واقف خواهید شد و آن مصالحی را که بر شما پوشیده بود درک خواهید کرد.

از حضرت امام جعفر صادق (ع) مروی است که چون فرشتگان جواب سؤال خود را از خدا شنیدند که رتبه ایشان ندارند، از سؤال خود منفعّل شدند و پناه به عرش الهی بردند و به استغفار مشغول شدند.

پس خداوند تعالی اراده فرمود که آدم (ع) را بیافریند. و اما خلقت آدم (ع) و آفرینش او، بدان که حق تعالی امر فرمود جبرئیل را که برو و از روی زمین یک قبضه خاک برگیر. از آنجا که امروز خانه کعبه است. جبرئیل برفت و زمین در زیر قدم او می‌لرزید. گفت: یا جبرئیل چه خواهی کرد؟ جبرئیل گفت: از تو قبضه‌ای خاک برمی‌دارم. زمین او را به خدا سوگند داد که از من خاک برگیر، که می‌ترسم حق تعالی از من خلقی بیافریند که بروی عاصی شوند و بدان سبب بر من ملامت آید و من شرمنده شوم. جبرئیل (ع) برگشت و گفت: خداوندا، تو عالم اسراری، زمین مرا به تو سوگند داد، اگر فرمایی دیگر باره می‌روم. حق تعالی میکائیل را فرستاد برای آوردن خاک. آن هم به طریق جبرئیل خاک نیاورد و سپس اسرافیل را برای آوردن خاک به سوی زمین فرستاد و او هم همین عذر شنید و خاک نیاورد. پس عزرائیل را فرمان داد، باز زمین او را قسم داد. عزرائیل گفت: حق تعالی به من امر فرموده، تو هم قسم می‌دهی؟ من ترک امر نمی‌کنم به جهت قسم تو.

عزرائیل چون خاک را برداشت، حق تعالی فرمود: ای عزرائیل چرا خلاف سوگند زمین کردی؟ گفت: از ترس تو. حق تعالی فرمود: جان خلائق بر تو حلال کردم که قبض کنی.

عزرائیل گفت: خداوندا بعد از آن، همه با من دشمن می‌شوند. حق تعالی فرمود: هر یکی را به سببی بگیرم تا خلق بدان سبب تو را دشمن نگیرند. آنگاه فرمان آمد که گِل آدم (ع) را بسپرش. پس عزرائیل گِل آدم را سرشت. بعد از آن فرشته ابر را فرمود تا چهل روز پارچه‌ای ابر بر سر آن بداشت و در این چهل روز بر آن خاک ببارید و سایه از سر آن برداشت تا آنکه آن خاک گِل شد و چسبان گردید و به سرحد استعداد صورت گردید. بعد از آن، آن را به صورت انسان مصور گردانید. پس خداوند روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود. به اراده خدای تعالی آدم (ع) از خاک زمین سرشته شد و به صورت انسان